

پناهجویان و تشدید سیاست های پناهنده ستیزی در اروپا

در هفته های اخیر، دولت های اروپایی زیر لافاه "مبارزه با تروریسم" هجوم خویش برای سرکوب و محدود کردن حقوق دمکراتیک و مدنی و به ویژه حقوق پناهندگی را شدت بخشیده اند. در همین رابطه وزیران کشور و دادگستری کشورهای عضو اتحادیه اروپا طی نشستی در بروکسل به بررسی پیش نویس لایحه مشترکی در مورد مقررات پناهنده پذیری پرداختند که در صورت تبدیل شدن به قانون، بدیهی ترین حقوق بین المللی شناخته شده پناهندگان را صراحتاً نقض کرده و از جمله هزاران پناهنده را در معرض خطر بازگشت به کشورهایشان و مواجه شدن با خطر مرگ قرار می دهد. مطابق لایحه پیشنهادی، اولاً سیاست پناهنده پذیری - و به عبارت درست تر، پناهنده ستیزی - کشورهای اروپایی از این پس هرچه بیشتر با یکدیگر هماهنگ شده و از آن مهمتر سختگیرانه تر می شوند. نکته

برجسته دیگر در قوانین مورد بررسی از این قرار است که به رغم تمامی کنوانسیون های موجود شناخته شده بین المللی در مورد حقوق پناهنده، کشورهای عضو اتحادیه اروپا در صددند تا با اعمال محدودیت های ضدانسانی هرچه بیشتر نظیر محدود کردن حقوق اقتصادی - اجتماعی پناهجویان و تسهیل شرایط دیپورت سریع متقاضیان پناهندگی به کشورهایشان جان هزاران انسان گریخته از جهنم فقر، دیکتاتوری و سرکوب را در معرض خطر قرار دهند.

ماهیت ضدخلقی و ضددمکراتیک قوانین جدید و شدت عمل دولت های اروپایی در اعمال این قوانین آن قدر برجسته است که حیرت و اعتراض تمامی نهادهای غیردولتی و درگیر در امور پناهندگان و سازمان های "حقوق بشری" در اروپا را نیز برانگیخته است. در همین رابطه در

آستانه اجلاس وزرای کشورهای اتحادیه اروپا، چندین سازمان بین المللی مدافع حقوق بشر نظیر "عفو بین الملل"، "سازمان دیده بان حقوق بشر"، "سازمان پزشکان بدون مرز" و "کمیساریای مالی پناهندگان سازمان ملل" با برگزاری یک کنفرانس مشترک در بروکسل، ضمن انتقاد به پیش نویس قوانین جدید، آنها را یک "عقب گرد" خوانده و عنوان کردند که تصویب قوانین جدید به معنای "بازگردانیدن" پناهجویان به کشورهایشان می باشد، جایی که "زندگی آنها در خطر" خواهد بود.

تصمیم به یکسان سازی قوانین و محدود کردن هرچه بیشتر حقوق پناهندگی در کشورهای اروپا امری نیست که یک شبه حاصل شده باشد. واقعیت این است که رایزنی وزاری دولت های اروپایی برای تصویب قوانین ضدپناهندگی در بروکسل در حالی ادامه دارد که

دولت های عضو اتحادیه اروپا در سال های اخیر تقریباً بدون استثنا، در نقض حقوق پناهجویان و سرکوب و اعمال فشار بر آنها هرآنچه که توانسته اند را به انجام رسانده اند. به طور مثال در ماه فوریه دولت هلند با تصویب یک قانون ضدخلقی در پارلمان این کشور تصمیم گرفت تا ۲۶ هزار پناهجوی خارجی را ظرف سه سال آینده به کشورهایشان یعنی به چنگال رژیم های سرکوبگر افریقایی، آسیایی و خاورمیانه بازگرداند. همزمان با بررسی این لایحه در پارلمان، تعدادی از سازمان های مدافع حقوق پناهندگی در مقابل ساختمان پارلمان به مدت چند ساعت به تظاهرات پرداختند.

(ادامه مطلب در صفحه ۲)

مهاجرین افغانی، آماج یورش جمهوری اسلامی

رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی با سازماندهی یک برنامه جدید، درصدد اعمال فشارهای بی سابقه بر هزاران تن از پناهندگان افغانی با هدف اخراج هرچه سریعتر آنان از ایران است. در این رابطه مدیر کل اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی، احمد حسینی اعلام کرده است که "طرح بازگشت نهایی" مهاجرین افغانی از تاریخ ۱۵ فروردین ماه آغاز خواهد شد.

(ادامه مطلب در صفحه ۳)

دستمزدهای سال ۸۲ . تداوم فقر و گرسنگی برای کارگران

رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی، در آخرین روزهای اسفند ماه ۸۲، حداقل دستمزد کارگران برای سال آتی را ۱۰۶ هزار و ۶۰۰ تومان در ماه تعیین کرد. مقایسه این رقم ناچیز به عنوان پایه دستمزدها برای سال آینده، با هزینه های ابتدایی یک خانواده کارگری، آنهم در شرایطی که هیولای گرانی، تورم و کمبود و بیکاری در جمهوری اسلامی بیداد می کند، معنایی جز تشدید فقر و سرعت یابی روند فرسایش جسمی و روحی کارگران و از هم پاشیده شدن هرچه گسترده تر خانواده های کارگری در سال آینده نخواهد داشت.

(ادامه مطلب در صفحه ۲)



پناهجویان

و تشدید سیاست های...

(بقیه از صفحه ۱)

در همین رابطه دولت انگلستان نیز با تصویب یک رشته قوانین جدید، ضمن محدود کردن و قطع کمک هزینه های اجتماعی و اقتصادی به پناهجویان، هزاران تن از آنها را عملاً از فرصت استفاده از تسهیلاتی نظیر مشاوره قانونی با وکلا، کمک هزینه های حقوقی برای پر کردن فرم های پناهندگی و آماده سازی پرونده ها برای ارائه به وزارت کشور و دادگاه ها محروم کرده است. در نتیجه اعمال این محدودیت ها، از اول آپریل ۲۰۰۴، حداقل ۴۰ هزار پناهجو به صورت بلاتکلیف و بدون نمایندگی قانونی رها می شوند. علاوه بر این، دولت انگلیس در تلاش است تا با الغاء حق درخواست تجدید نظر در دادگاه ها برای پناهجویانی که

پرونده های آنها توسط وزارت کشور انگلستان رد شده است، (معمولاً بیش از ۹۰ درصد از تقاضای پناهندگی در وزارت کشور انگلستان در همان مرحله اول و بدون بررسی کافی رد می شوند) حقوق پناهجویان را هرچه وحشیانه تر نقض کند. این گونه اعمال فشارها به همراه تبلیغات سازمان یافته و پناهنده ستیزانه ای که در وسایل ارتباط جمعی در کشورهای اروپایی به طور روزمره در جریان است اوضاع را بر هزاران پناهجویی که برای نجات جان خویش و به امید آغاز یک زندگی حداقل انسانی، از جهنم فقر و فلاکت و سرکوب و خفقان در کشورهای عقب نگاه داشته شده گریخته اند و به اروپا آمده اند بسیار طاقت فرسا و غیرقابل تحمل نموده است. تا جایی که برخی از پناهجویان در اعتراض به این اوضاع و در اعتراض به احکام ناعادلانه مراجع پناهندگی دست به خودکشی و خودسوزی زده و یا با دوختن دهان و چشم و گوش

خویش به اعتصاب دست زده و خطر مرگ را پذیرفته اند. در همین رابطه اخیراً در هلند یک پناهجوی ایرانی به نام مهدی کاووسی در اعتراض به این قوانین، لب ها و چشمان خود را دوخت. در شهر بولتون انگلیس نیز یک پناهجوی ایرانی خود را آتش زد و در اسکاتلند نیز دو پناهجوی دیگر ایرانی که پرونده های پناهندگی شان بدون بررسی دقیق و عادلانه رد شده بود، لب ها و چشمان خود را به عنوان اعتراض دوختند و به اعتصاب غذا دست زدند.



علاوه بر این نمونه ها به گزارش روزنامه "دی کاری لیل فردریک سن" نروژ یکی از پناهجویان ایرانی به نام یوسفی دو هفته پس از اخراج از نروژ و دیپورت به

ایران کشته شد و جسد او در روز ۲۸ فوریه در حالی که از ناحیه جمجمه صدمه دیده بود پیدا شد. به گزارش دبیر اول سازمان "متقاضیان پناهندگی در نروژ" دولت این کشور حتی "کوچکترین زحمتی" برای "تحقیق" در مورد "صحت و سقم" دلایل یوسفی برای تقاضای پناهندگی در نروژ را به خود راه نداده بودند.

تشدید سختگیری در مورد قوانین پناهندگی و اعمال فشار و تصویب قوانین پناهنده ستیزانه دولت های اروپایی در عمل معنایی جز قربانی شدن انسان های هرچه بیشتر در چنگال رژیم های مزدور و سرکوبگر نظیر جمهوری اسلامی ندارد. این امر ضرورت گسترش مقاومت یکپارچه و جمعی تمامی سازمان ها و جریانات مترقی و انسان های آرادخواه در مقابل این قوانین را هرچه برجسته تر به نمایش می گذارد.

دستمزدهای سال ۸۳ . تداوم...

(بقیه از صفحه ۱)

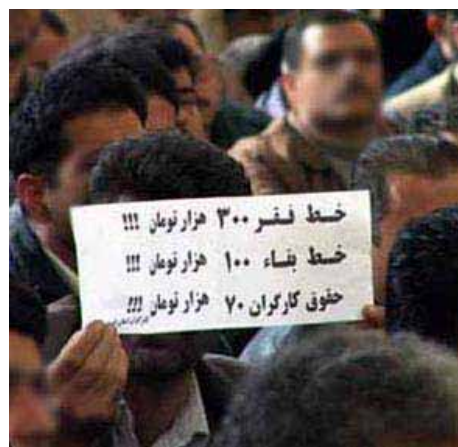
تعیین رقم ۱۰۶ هزار و ۶۰۰ تومان به عنوان حقوق یک کارگر آنهم در شرایطی که به گفته خود مقامات رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی، "خط فقر" در تهران ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار تومان و در شهرهای بزرگ ۱۸۰ تا ۲۰۰ هزار تومان می باشد، به خوبی پرده از شکاف وحشتناک بین دستمزدها و سطح زندگی در مورد صدها هزار تن از کارگران تحت ستم و محروم ما زیر حاکمیت ضدحلقی جمهوری اسلامی برداشته و نشان می دهد که "مستضعف گرانی" و "فقر زدائی" در قاموس سردمداران دزد و غارتگر این رژیم چه معنایی دارد. این اقدام جمهوری اسلامی نشان می دهد که سال آتی برای میلیون ها تن از کارگران و خانواده هایشان زیر حاکمیت سیاه نظام سرمایه داری وابسته، سال زندگی در زیر خط فقر، سال تداوم گرسنگی و کمبود و تحقیر و سرکوب هرچه بیشتر خواهد بود.

برای آنکه شکاف عظیم بین دستمزدهای کارگران با حداقل هزینه های جاری و مورد نیاز یک خانواده کارگری را در جمهوری اسلامی بهتر بفهمیم می توانیم به اعترافات دبیر اجرائی خانه کارگر رژیم در نیشابور در مورد همین مساله رجوع کنیم که اخیراً عنوان داشته که: "اگر

زندگی خانواده های کارگری نیست. این رقم ناچیز در حالی تعیین می شود که زیر حاکمیت ضدحلقی جمهوری اسلامی، سرمایه داران زالوصفت و کارفرمایان به برکت قوانین ضدکارگری رژیم، حتی از پرداخت به موقع همین دستمزد ناچیز هم به صدها هزار کارگر، خودداری کرده و حیات و معاش آنها را هرچه بیشتر زیر منگنه قرار می دهند. و هنگامی هم که کارگران برای رسیدن به حقوق عادلانه و دستمزدهای بخور و نمیر خود دست به اعتصاب و اعتراض می زنند، نظیر کارگران زحمتکش و ستمدیده مس سرچشمه کرمان، این گلوله های مذاب تفنگچیان و مزدوران جمهوری اسلامی ست که قلب آنها را نشانه می رود و سینه های آنها را می شکافد.

حداقل دستمزدهای تعیین شده از سوی دولت برای کارگران در سال آینده نشان می دهد که رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی و سرمایه داران زالوصفت وابسته، عزم جزم کرده اند که در سال ۸۳ نیز با مکیدن شیره جان کارگران، هرچه بیشتر جیب های گشاد خویش را پر کرده و به قیمت گرسنگی دادن و شکنجه کارگران و خانواده هایشان، کاخ های زر و زورشان را هرچه رنگین تر و مستحکمتر سازند. غافل از آنکه در پس این خواب خوش، آنان در حقیقت دارند بر آتش نفرت کارگران از این نظام ضدحلقی که به طور روزمره در کارخانه ها و کوخ های فقر شعله می کشد، بنزین می پاشند.

کارگری با ۴ سر عائله، حداقل ۲۰۷ هزار تومان در ماه درآمد داشته باشد تنها می تواند روزانه یک وعده غذای گرم بخورد". همین مقام رژیم اضافه می کند که رژیم جمهوری اسلامی "از سال ۶۶ تاکنون، رقم واقعی دستمزدها را پرداخت نکرده است و این موجب شده است که کارگران ما با وجود داشتن دو شغل و ۱۵ ساعت کار در شبانه روز نتوانند زندگی خود را تأمین کنند."



تعیین رقم ۱۰۶ هزار و ۶۰۰ تومان در ماه برای دستمزد کارگران در سال ۸۳ با توجه به هزینه های سرسام آور زندگی و رشد افسارگسیخته گرانی و تورم، به هیچ رو کفاف یک زندگی بخور و نمیر برای کارگران را هم نمی دهد. اما این هنوز بیانگر عمق فاجعه در



مهاجرین افغانی ، آماج یورش جمهوری اسلامی

(بقیه از صفحه ۱)

مطابق این طرح که جزیی از توافقات سه جانبه بین جمهوری اسلامی ، دولت کرزای و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل است، جمهوری اسلامی در تلاش است که تا پایان امسال تمامی مهاجرین افغانی را به رغم خواست خویش به زور به این کشور جنگ زده و ویران شده باز گرداند.

برای تسهیل این امر، علاوه بر تمامی فشارهای گوناگونی که افغانیان مقیم ایران از سوی حکومت در طول ۲۵ سال گذشته در معرض آن قرار گرفته اند، از این پس ، مطابق تصمیم جمهوری اسلامی، "سطح خدمات اداری و اجتماعی" به "افغانیان مقیم" ایران "کاهش" یافته و در عوض بر "هزینه های آموزشی ، بهداشتی و شهری" افغانیان افزوده خواهد شد. علاوه بر این، سازمان ملل نیز از این پس بودجه اختصاصی خود به "آموزش و پرورش و بهداشت و درمان مهاجران افغانی" در ایران را به میزان ۵۰ درصد کاهش خواهد داد. مقامات سرکوبگر رژیم، از زبان احمد حسینی اعلام کرده اند که در "چارچوب این برنامه" و اعمال این فشارها برای بازگرداندن پناهندگان افغانی، یا "مهاجرین غیر مجاز" یعنی آنها که همچنان نخواهند به سرزمین ویران شده خویش بازگردند، به شدت برخورد خواهد شد که معنای آن بگیر و ببند و شکنجه و برفتاری های هرچه بیشتر با افغانیان مقیم ایران خواهد بود.

یورش سازمان یافته جمهوری اسلامی به پناهندگان تحت ستم افغانی در حالی است که صدها هزار تن از آنها سالهاست که تحت حاکمیت جبارانه رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی در یکی از پست ترین شرایط زیست و معاش در ایران به سر برده اند. از یک سو عواقب زیانبار و خانه خراب کن سالها جنگ

ارتجاعی بین دارو دسته های مزدور و وابسته - جنگی که جمهوری اسلامی نیز همیشه با حمایت از مزدوران خود برای تداوم آن سوخت تهیه کرده است- به ویرانی خانه و کاشانه توده های محروم افغانستان انجامیده و بالنتیجه بسیاری از آنان را واداشته تا برای نجات جان خود، خانه و کاشانه خود را ترک و با تحمل خطرات فراوان به ایران فرار کنند. از سوی دیگر افغانیان پناهنده در چنگال رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی نیز با یک شرایط جهنمی و طاقت فرسا روبرو بوده اند. پناهندگان محروم افغانی در ایران همواره منبعی از نیروی کار ارزان در دست دولت و سرمایه داران زالوصفت و وابسته برای استثمار و سودجویی بوده اند. آنها از سرناچاری و برای به دست آوردن لقمه ای نان به کارهای پست، شاق و طاقت فرسا در کارخانه ها ، کارگاهها، زمینهای کشاورزی، مرغداریها و... گماشته شده و دستمزدهای ناچیز دریافت کرده اند. رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی در طول جنگ ایران و عراق و در جریان دخالتهای ضدخلقی خود در امور افغانستان، بسیاری از آنها را گوشت دم توپ



خود ساخته است. در عین حال مقامات دزد و فاسد حکومت با فریبکاری تمام در هر فرصتی پناهندگان افغانی را به عنوان عاملین فقر و بیکاری و دزدی و سایر امراض و مفاسد اجتماعی زائیده نظام سرمایه داری وابسته در ایران معرفی کرده اند. علاوه بر اینها، جمهوری اسلامی با تبلیغات سیستماتیک بر علیه پناهجویان افغانی ضمن اشاعه یک فرهنگ ارتجاعی و تژاد پرستانه همواره با افغانیان به مثابه شهروندان درجه دو برخورد کرده و زمینه اجحاف و حق کشی ، استثمار شدید و تحقیر و توهین به آنها در سطح جامعه را آماده کرده است. در یک کلام اگر

حاکمیت سپاه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی برای کارگران و خلقهای محروم ما ارمغانی جز تشدید فقر و فلاکت و غارت و سرکوب نداشته است ، صدها هزار تن از پناهندگان افغانی در ایران، زیر این حاکمیت در شرایط بسیار وخیم تری روزگار را گذرانده اند. در عین حال در طول این سالها این توده عظیم استثمار شده و محروم همواره زیر نام "پناهنده" برای سران فاسد جمهوری اسلامی، یک منبع درآمد اضافه از سازمان ملل متحد و ابزاری برای گسترش تبلیغات در سطح بین المللی به منظور کسب وجهه برای رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی بوده اند.

با وجود تمامی این اوضاع طاقت فرسا، بسیاری از افغانیان مقیم ایران با کار و تلاش شبانه روزی توانسته اند تا حداقل سرپناهی ساخته و زندگی محقری را برای خود و خانواده هایشان در مهاجرت سازمان بدهند. به این ترتیب طرح ضدخلقی رژیم جمهوری اسلامی برای اعمال فشار و نهایتا بازگرداندن اجباری پناهندگان افغانی آن هم در شرایط اشغال نظامی افغانستان توسط دولت امریکا و وضعیت بحرانی این کشور، معنایی جز درهم پاشی و از هم گسیختن دوباره اوضاع نازل کار و حیات هزاران انسان محروم و باز گرداندن آنها به فقر مرداب را نخواهد داشت.

تضمین حق سکونت در ایران و کسب حقوق شهروندی و مدنی، خواست عادلانه و حق ابتدایی افغانیان مستقر در ایران است. این حق باید برای تمامی افغانیایی که به هر دلیل نمی خواهند به افغانستان بازگردند محترم شمرده شود. دفاع از حقوق انسانی افغانیان مقیم ایران و مقاومت برای جلوگیری از سرکوب آنان، برای کارگران و زحمتکشان و توده های محرومی که برای سرنگونی رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی و تضمین حقوق اقتصادی - سیاسی خود می جنگند یک وظیفه انقلابی و انسانی است. بکوشیم تا از حقوق افغانیان مقیم ایران دفاع کنیم. ■

عراق ،

عرصه آزمایش سلاح های...

(بقیه از صفحه ۴)

ارتش آمریکا در حالیکه به طور روزمره با تظاهرات گسترده مردم عراق بر علیه اشغال روبروست، سفارشی به قیمت ۱/۱ میلیون دلار به یک شرکت تولید کننده این دستگاه ها داده تا آنها را در شهرهای "الانبار" ، "فلوجه" و

"بغداد" بر علیه مردم به پا خاسته عراق به طور "آزمایشی" استفاده کند. گلوله های نامرئی آخرین تکنولوژی پنتاگون بوده و استفاده از آن از راه دور، ضریب خطر جانی برای سربازان جنایتکار و اشغالگر آمریکایی را در برخورد با مخالفین کاهش می دهد.

لازم به یاد آوری ست که ارتش آمریکا در هنگام اشغال افغانستان نیز مجموعه ای از سلاح های مرگبار در دست آزمایش خود و از جمله بمب های چند مگاتنی را برای اولین بار در میدان یک

جنگ واقعی بر علیه توده های تحت ستم افغانی به کار برد و هزاران تن از آنان را به قتل رساند و یا خانه خراب و آواره نمود. ■



نمونه ای از گلوله های آغشته به رادیواکتیو



"بنیاد هانریش بل" آلمان و نمایش عبا و عمامه خمینی جلاد!

اواخر مارس امسال، بنیاد "هانریش بل" در آلمان در چارچوب یک "جشنواره فرهنگی"، طی یک اقدام رسوا به نمایش وسایل شخصی خمینی، رهبر رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی، زیر نام نمایش "آثار هنری ایران" پرداخت.

برای تمامی انسان های آگاه و وجدان های بیدار که کوچکترین شناختی از خمینی جلاد و رژیم ضدخلفی او در ایران دارند، روشن است که این اقدام گردانندگان بنیاد آلمانی نه کوچکترین ربطی به

آثار "هنری" دارد و نه منعکس کننده واقعیات مربوط به فرهنگ و هنر مردمی در ایران می باشد.

همان طور که می دانیم گردانندگان رسوای این بنیاد آلمانی، چند سال پیش هم با حمایت دولت امپریالیست آلمان کوشیدند تا با برپائی "کنفرانس برلین" و زیر نام کار "فرهنگی"، چهره خاتمی

فریبکار و نظام ضدخلفی جمهوری اسلامی را در افکار بین المللی تطهیر کرده و آنها را "معتدل" و "دمکرات" جلوه دهند. اما این اقدام فریبکارانه در آن زمان در نزد مردم ستمدیده ایران و افکار بین المللی آگاه، جز بی آبرویی و بدنامی حاصلی به بار نیاورد. به رغم این پیشینه، گردانندگان "بنیاد هانریش بل" که از قضا روابط "حسنة ای"، هم با دولت آلمان و هم با جمهوری اسلامی دارند، این بار نیز تلاش ورزیده اند تا با نمایش عبا و عمامه و سایر وسایل شخصی خمینی جنایتکار، این دشمن

قسم خورده مردم ما، ضمن دهن کجی به میلیون ها تن از قربانیان حکومت دیکتاتوری ای که او سمبلش بود، پُر نمایش "آثار هنری" ایران را بگیرند. اما بدون شک "جشنواره فرهنگی" بنیاد "هانریش بل" و گردانندگانش، از نمایش وسایل خصوصی یک جلاد منفور، که در طول قریب به ۳ دهه، دستان رژیمش تا مرفق به خون کارگران و رنجبران و روشنفکران و هنرمندان مردمی آغشته بوده است، حاصلی جز بدنامی و رسوایی بیشتر نخواهند برد و تنها دشمنی و عناد خویش را با هنر مردمی و با توده های تحت ستم ما به نمایش خواهند گذارد.

"پیام فدایی"

بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051
London
WC1N 3XX
England

شماره فکس و تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 - 208 - 8805621

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com

عراق ، عرصه آزمایش سلاح های جدید آمریکایی

ارتش جنایتکار آمریکا ضمن تداوم اشغال عراق و افغانستان و سرکوب و کشتار توده های ستمدیده این دو کشور، حیات و هستی آنها را به میدانی برای آزمایش سلاح های جنگی جدید خویش بدل کرده است. در رابطه با واقعیت فوق، اخیرا شبکه سی. ان. ان آمریکا از قول کارشناسان نظامی دولت بوش

اعلام کرده است که ارتش آمریکا در صدد آزمایش "گلوله های نامرئی" برای سرکوب تظاهرکنندگان ضدآمریکایی در عراق است. گلوله های نامرئی به امواج صوتی خطرناکی اطلاق میشود که از طریق دستگاه های صوتی دوپربرد پخش شده و گوش افرادی را که در تماس با آن قرار میگیرند به شدت می آزارد. تداوم ارتعاش این صدا به ویژه با فرکانس بالا برای افرادی که در معرض آن قرار می گیرند منجر به کری دائم و حتی مرگ می شود.

(ادامه مطلب در صفحه ۳)

اثرآپیش شمار نیروهای آمریکایی در افغانستان

دولت آمریکا با اعزام دو هزار نیروی جدید به افغانستان، شمار نفرات ارتش اشغالگر خود در این کشور را به ۱۴ هزار تن افزایش خواهد داد. افزایش شمار نیروهای آمریکایی در افغانستان در شرایطی است که افکار عمومی در آمریکا با گذشت زمان، هر روز بیشتر از قبل به سیاست های دولت بوش زیر نام "مبارزه با تروریسم" و اشغال افغانستان و عراق اعتراض کرده و خواهان بازگرداندن سربازان آمریکایی به کشورشان شده اند. در همین رابطه در آستانه اولین سالگرد حمله نظامی به عراق، گروهی از مردم در مقابل اقامتگاه جورج بوش اجتماع کرده و با سازمان دادن تظاهراتی خواستار "خاتمه جنگ" و "احترام به کشته شدگان" بودند. یک روز قبل از این تظاهرات نیز حرکت مشابهی با شرکت هزار تن از خانواده های کشته شدگان آمریکایی در مجاورت پایگاه هوایی "دور" صورت گرفت که طی آن تظاهرکنندگان خواهان بازگرداندن ارتش آمریکا از افغانستان و عراق شدند. در اولین سالگرد اشغال عراق نیز هم زمان با سایر شهرهای دنیا در برخی از شهرهای آمریکا نیز تظاهراتی با شرکت هزاران تن از مردم این کشور در اعتراض به سیاست های دولت بوش و محکوم نمودن اشغال عراق و افغانستان برگزار شد.

